

The Requirements of the Institutionalization of Culture From the Viewpoint of the Quran

Vahid Vosooqirad^{1*}, Ali Rezaeian², Valiollah Naghipoorfar³

1. Assistant Professor, Imam Khomeini Educational And Research Institute

2. Professor, Shahid Beheshti University

3. Assistant Professor, Qom University

(Received: April 5, 2021; Accepted: July 3, 2021)

Abstract

One of the problems that the public officials face at micro and macro levels is the institutionalization of their desired beliefs, values, and behaviors. Various suggestions have been made in the related literature for the institutionalization of the intended culture, which are mostly taken from the epistemic approaches common in the Western societies. One of the main duties of the researchers of the Islamic humanities domain is to put forth theories about and express the requirements of institutionalization based on the Islamic principles and premises. Therefore, the main purpose of this study was to examine the requirements of institutionalization of culture related to the individuals (as the addressee of institutionalization) from the viewpoint of the Quran. In this study, the comprehensive free-investigation method was used based on emerging grounded theory. The findings of this study indicate that the main requirements of institutionalization at individual level can be classified into three groups, namely “insight” (including belief in the content; observance of principles and avoidance of compromise; and belief in all religious teachings), “inclination” (including not accepting the guardianship of disbelievers, and being farsightedness and disregarding the transient interests), and “practical behaviors” (including believing in Islam and practicing it, determining redlines, and identifying goals).

Keywords

requirements, culture, institutionalization, perspective of the Quran.

* **Corresponding Author, Email:** Vahid.oghi@gmail.com

الزامات نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن

وحید وثوقی‌راد^{۱*}، علی رضاییان^۲، ولی‌الله نقی‌پورفر^۳

۱. استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

۲. استاد دانشگاه شهید بهشتی

۳. استادیار دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲)

چکیده

یکی از مسائل پیش روی کارگزاران اداره جامعه، در سطح خرد و کلان، نهادینه‌سازی باورها و ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب و مورد پسند آن‌هاست. بدین منظور در مباحث نهادینه‌سازی فرهنگ مورد نظر پیشنهاد‌های متفاوتی ارائه شده است که غالباً برگرفته از رویکردهای معرفتی حاکم بر جوامع غربی است. یکی از وظایف اصلی پژوهشگران فعال در حوزه علوم انسانی اسلامی تبیین نظری و بیان الزامات نهادینه‌سازی متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است. از این رو هدف اصلی این تحقیق بررسی الزامات نهادینه‌سازی فرهنگ متناظر و مرتبط با فرد در مقام مخاطب نهادینه‌سازی از منظر قرآن است. در این تحقیق از روش اجتهاد جامع، با توجه به راهبرد ظاهرشونده داده‌بنیاد، استفاده شد. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده آن بود که می‌توان الزامات اصلی نهادینه‌سازی در سطح تحلیل فرد را در سه گروه تقسیم کرد که عبارت‌اند از: «بینشی» شامل ایمان به محتوا و پایبندی به اصول و عدم سازش کاری و ایمان به همه متعلقات دین، «گرایشی» شامل عدم پذیرش ولایت کافران و دوراندیشی و گذشت از منافع زودگذر، «رفتاری عملی» شامل اسلام آوردن و عمل به آن و تعیین خطوط قرمز و شناسایی اهداف.

کلیدواژگان

الزامات، فرهنگ، قرآن، نهادینه‌سازی.

مقدمه

هدف اصلی از انقلاب اسلامی مطابق قانون اساسی ایجاد نظامی بر پایه ایمان به خدا و اختصاص حاکمیت به او و لزوم تسلیم در برابر اوامر خداوند است (اصل دوم قانون اساسی). در حقیقت، وحی الهی و ارزش‌های والای اسلامی در بیان قوانین و چگونگی اداره جامعه نقش بنیادین دارد. از این رو همه ارکان تشکیل دهنده نظام مقدس جمهوری اسلامی باید به همین سو حرکت کنند و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی بازوان اصلی تحقق ارزش‌های اسلامی و زمینه‌ساز حرکت جامعه به سوی ارزش‌ها باشند (موسوی خمینی ۱۳۸۶: ج ۱۲، ۳۴۵). پس، در گام اول مسئولان حاکمیتی در سطوح مختلف باید تلاش کنند فرهنگ حاکم بر سازمان‌های تحت نظارت آن‌ها برگرفته از ارزش‌های اسلامی باشد. با این حال در عمل مشاهده می‌کنیم، با وجود گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، چنان‌که شاید و باید به ارزش‌های اسلامی توجه نشده است یا اگر در مقاطعی به ارزش‌ها توجه شده تلاشی برای نهادینه‌سازی آن‌ها صورت نگرفته است. یکی از دلایل اصلی این وضعیت نبود رویکرد اسلامی نهادینه‌سازی و عدم آشنایی کارگزاران حاکمیتی با وظایف خود در این زمینه است. در مباحث رایج نظریات متفاوتی درباره نقش حاکمان و رویکرد غالب بر سیاست‌های آن‌ها در موضوع نهادینه‌سازی وجود دارد که غالباً برگرفته از مبانی و پیش‌فرض‌های غربی است. با توجه به تأثیر مبانی و پیش‌فرض‌ها در نظریه‌ها و رویکردها، یکی از وظایف اصلی پژوهشگران فعال در حوزه علوم انسانی اسلامی تبیین نظری و بیان رویکرد متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است.

نکته مهم دیگری که باید بدان توجه داشت این است که نهادینه‌سازی یک مفهوم یا واژه بسیط نیست که با واژگان قرآنی مقایسه شود. از این رو ارائه رویکردی کامل از نهادینه‌سازی با رویکرد قرآنی نیازمند یک تحقیق مبسوط و استخراج چارچوب و مؤلفه‌های اصلی است. محقق توفیق آن را داشته که این مهم را در قالب رساله دکتری انجام دهد. نتیجه حاصله استخراج رویکرد نهایی نهادینه‌سازی از منظر قرآن است که مؤلفه‌های اصلی آن عبارت‌اند از:

۱. ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن؛^۱
۲. راهبرد اصلی حکومت در نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
۳. وظایف حاکمیتی در نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
۴. الزامات نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛
۵. تسهیلگرهای نهادینه‌سازی از منظر قرآن؛
۶. مخاطب‌شناسی و اصول حاکم بر آن در نهادینه‌سازی از منظر قرآن؛
۷. محتوای نهادینه‌سازی از منظر قرآن؛
۸. فرایند نهادینه‌سازی از منظر قرآن.

در این مقاله به مؤلفه «الزامات نهادینه‌سازی از منظر قرآن» به منزله یکی از مؤلفه‌های اصلی پرداخته می‌شود. برای اجرایی کردن این رویکرد چند گام اساسی ضروری است. در گام نخست باید ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی در مباحث رایج به‌خوبی روشن شود تا بتوان با تصویری واقعی آن را به منابع اسلامی عرضه کرد. گام بعدی شناسایی و مشخص کردن مفاهیم مترادف یا نزدیک به مفهوم نهادینه‌سازی در قرآن کریم است که به مراتب مشکل‌تر از گام قبلی است. زیرا مقایسه این برساخته (نهادینه‌سازی) با واژگان قرآنی بدون داشتن پشتوانه و مطالعه عمیق کاری بسیار سخت و در بعضی از موارد غیرممکن به نظر می‌آید. برای رسیدن به این هدف در انتخاب روش و گام‌های مفهومیابی در قرآن بسیار دقت شد. گام بعدی استخراج راهبرد اصلی حاکمیت در نهادینه‌سازی است. در ادامه به تبیین گام‌های یادشده پرداخته خواهد شد.

پیشینه و مفهوم نهادینه‌سازی در مباحث رایج

از واژه‌های «نهاد» و «نهادینه‌سازی» با توجه به دیدگاه‌های متفاوت تعاریف متعددی ارائه شده است و این ناشی از دیدگاه‌های متفاوتی است که نسبت به الگوهای ارائه شده در این باره وجود دارد. از این رو باید به این نکته توجه داشته باشیم که در بررسی نهادینه‌سازی توجه به

۱. این مؤلفه در قالب مقاله‌ای با همین عنوان تدوین شده که در نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی (ش ۱۷) به چاپ رسیده است.

الگوهای متفاوت و در نظر گرفتن آن‌ها ضروری است. با مراجعه به پیشینه مرتبط با این موضوع بین گروه‌ها و تاریخ وجوه مشابهی یافت می‌شود. ولی درباره جزئیات اختلاف‌های زیادی می‌بینیم. قبل از ورود به بحث ضرورت دارد ارتباط بین نهادینه‌سازی و نهادگرایی تبیین شود. از این رو ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در این باب بیان می‌شود.

نهادی کردن عبارت است از «تدارک و فراهم کردن زمینه‌هایی که موجب پایداری، ثبات، تداوم، و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب شود.» (قلی‌پور ۱۳۸۴: ۲۳). در حقیقت در ایجاد نهادها سازوکارهایی که برای ایجاد نهاد و تثبیت محتوا به کار برده می‌شود اهمیت ویژه‌ای دارد. نظریه‌های نهادی، چه در سطح سازمان چه در سطح کلان، در درون خود بیانگر سازوکار اصلی به کار گرفته شده در فرایند نهادینه‌سازی هستند. لورنس^۱ و همکارانش (۲۰۰۱: ۶۳۰) چهار سازوکار نفوذ، فشار (خشونت)، انضباط، تسلط را به منظور نهادینه کردن نام برده‌اند. هر یک از این سازوکارها در بردارنده اصول حاکم بر نظریه‌های نهادی در سطح سازمان‌اند. در این نوشتار به ارتباط بین نهادینه‌سازی و نهاد پرداخته شده است. در حقیقت، نتیجه نهادینه‌سازی با سازوکار اصلی خود در ایجاد نهاد متبلور است.

ریچارد اسکات^۲ (۱۹۸۷: ۴۹۳؛ ۲۰۰۹: ۲۱۵) در مقاله خود با عنوان «دوره رشد کامل نظریه نهادی»^۳ با توجه به مطالعات نظریه پردازان نظریه نهادی را تجزیه و تحلیل کرده است و با همین هدف تحقیقات تجربی در این زمینه را درباره انواع بحث‌هایی که به تازگی درباره رابطه عوامل نهادی با ساختار سازمانی و عملکرد انجام شده است بررسی کرده است. او به صورت گذرا چهار الگوی جامعه‌شناسی را معرفی کرده که ارائه‌کننده‌های این الگوها هر یک مدعی‌اند همواره نهاد را در کانون توجه قرار داده‌اند (Scott 1987: 493).

الگوی نهادینه‌سازی، فرایندی برای تلفیق ارزش‌ها

در این الگو منظور از نهادینه‌سازی پدیده‌ای جز یک فرایند سازگاری با محیط نیست. به

1. Lawrence

2. Scot

3. the adolescence of institutional theory.

عبارت دیگر نهادینه‌سازی «یعنی تلفیق ارزش‌ها در سطحی بالاتر از الزامات یا شرایط و نوع کاری که در حال انجام شدن است.» (Selznick 1957: 17). در الگوی سلزنیک بر اهمیت تاریخ تأکید می‌شود؛ تاریخ طبیعی سیر تکامل یک موجود زنده که با گذشت زمان همواره خود را با شرایط در حال تغییر وفق می‌دهد. طبق اظهار نظر پرو^۱ (۱۹۸۶: ۱۵۷ - ۱۵۸) برای تجزیه و تحلیل نهاد باید کل سازمان را تجزیه و تحلیل کرد. با در نظر گرفتن ویژگی «ارگانیک» سازمان، اگر بخواهیم عدالت رعایت شود، باید سازمان را در قالب یک کل مورد توجه قرار دهیم.

الگوی نهادینه‌سازی، فرایندی برای خلق واقعیت

دومین و سومین الگوی نظری بیشتر مدیون آثار پیتر برگر^۲ است. کامل‌ترین و اثرگذارترین دیدگاه برگر درباره نهادینه‌سازی را باید در اثری مشاهده کرد که با نویسنده دیگری به نام لاکمن^۳ منتشر کرد و پرسش اصلی در این اثر عبارت است از اینکه ماهیت و منشأ نظم اجتماعی چیست؟ (Scott 1987: 495).

بحث اصلی این است که نظم اجتماعی بر پایه یک واقعیت مشترک اجتماعی قرار دارد و آن هم به نوبه خود چیزی جز ساخته دست بشر نیست که در سایه روابط متقابل اجتماعی به وجود می‌آید. در این دیدگاه به این واقعیت توجه می‌شود که مرد یا زن، به مثابه یک ارگانسم بیولوژیکی زنده، در الگوی فطری با محدودیت‌ها یا عوامل محدودکننده بسیار کمی روبه‌رو می‌شود. ولی همین محدودیت‌ها یا عوامل محدودکننده در قالب نظم اجتماعی به وجود می‌آید (Berger & Luckmann 1991: 69-70). برگر و لاکمن همانند سلزنیک بر نیاز به کارگیری دیدگاه تاریخی تأکید کردند. از منظر آن‌ها، نهادینه‌سازی مستلزم گذر از سه مرحله یا سه مقطع زمانی است: برون‌گرایی^۴، عینیت‌گرایی^۵، درون‌گرایی^۶. ما و

1. Perrow

2. Peter Berge

3. Luckman

4. externalization

5. objectivation

6. internalization

همکاران دست به عمل می‌زنیم (برون‌گرایی). ولی هر دوی ما این عملیات را یک واقعیت خارجی و جدا از خود تفسیر می‌کنیم (عینیت‌گرایی). گذشته از این ما این دنیای عینی را تبدیل به درون‌گرایی می‌کنیم؛ یعنی درصدد برمی‌آییم که ساختار ذهنی از نوع آگاهی را مشخص کنیم (نهادینه شدن) (Wuthnow 1984: 39).

مایر^۱ و روتان^۲ (۱۹۷۷: ۳۴۱) در مقاله بسیار مشهور خود با عنوان «سازمان‌های نهادینه‌شده: ساختار رسمی به‌مانند آداب و رسوم» درباره سازمان‌های نهادینه‌شده از دیدگاه برگر و لاکمن حمایت و آن را تأیید کردند. از منظر ایشان، نهادینه‌سازی مستلزم فرایندهایی است که در آن فرایندهای اجتماعی در قالب تعهدات یا آنچه در واقع انجام می‌شود به صورت عمل و اندیشه اجتماعی و مبتنی بر بستر نظام صورت می‌گیرند. زاگر^۳ (۱۹۸۳: ۱) نیز همین صدا را منعکس کرد و بر این دیدگاه تأکید کرد که سازمان دارای شکل نهادینه‌شده است.

سیستم‌های نهادی به منزله یک طبقه از عناصر

در دیدگاه سوم از نظریه نهادی بر این موضوع تأکید می‌شود که سیستم‌های اعتقادات نهادینه‌شده به صورت طبقه متمایزی از عناصر درمی‌آیند که می‌توان بر اساس آن‌ها ساختار سازمانی را توضیح داد. در این دیدگاه به جای تأکید بر ویژگی‌های سیستم اعتقادات عمومی بر گونه‌ای از منابع یا مجموعه‌ای از احکام یا دستورهای بی‌طرفانه و منطقی تأکید می‌شود که می‌توان به وسیله آن‌ها هدف‌های مختلف اجتماعی را شناسایی و برای تأمین آن‌ها از روش‌های مناسبی که مشروعیت می‌یابد استفاده کرد (Meyer & Rowan 1977: 343). در این دیدگاه منابعی را نهادینه می‌نامند که وجود و اثربخشی آن‌ها در معیار و شاخصی قرار دارد که ورای اختیارات سازمان یا فرد مشارکت‌کننده است.

نهاد به منزله یک حوزه متمایز اجتماعی

مقصود از نهاد اجتماعی یک سیستم نسبتاً بادوام از باورهای اجتماعی و شیوه‌های عمل

1. Meyer
2. Rowan
3. Zucker

سازمان یافته در جامعه است که در زمینه‌های مختلف در درون سیستم اجتماعی (مذهب، کار، خانواده، سیاست) مطابق آن‌ها عمل می‌شود. در بیشتر این تعریف‌های سنتی، نهاد اجتماعی از این زاویه مورد توجه قرار می‌گیرد که از یک سو سیستم‌های نمادین (هنجاری و شناختی) و از سوی دیگر سیستم‌های رفتاری هستند و بر تداوم و ثبات به منزله یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده تأکید می‌شود (Scott 1987: 499). مثلاً هیوز^۱ (۱۹۳۹: ۲۸۳ - ۲۸۴) در بحث بسیار مشهور و اثرگذار خود می‌گوید اغلب واژه «نهاد» در مورد ویژگی‌هایی از زندگی اجتماعی به کار برده می‌شود که دوام آن به بیش از نسل‌های بیولوژیک است یا می‌تواند در برابر تغییرات اجتماعی (که انتظار می‌رود به هستی آن‌ها پایان دهد) مقاومت کند و به حیات خود ادامه دهد ... انسان‌ها تمایل دارند مسیر برای آن‌ها مشخص شود. تردیدی نیست که سایر حیوانات هم تمایل مشابهی دارند. ولی فقط انسان است که تعداد زیادی از شیوه‌های رفتاری را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند و فقط انسان است که برای این نوع رفتار خود دلیل‌هایی ارائه می‌کند و به آن‌ها ارج می‌نهد و برای قدمت آن‌ها ارزش قائل می‌شود.

بحث هرترزler^۲ (۱۹۶۱: ۸۴) درباره نهاد‌های اجتماعی نیز اثرهای مهمی بر جای گذاشت. او هنگام بیان این مطلب بر مضمون و درون‌مایه این دیدگاه تأکید کرد و اهمیت جنبه‌های خارجی ماهیت الگوهای نهادینه‌شده را که دارای نقشه قدیمی و سرنوشت‌ساز هستند یادآور شد.

در جدول ۱ خلاصه‌ای از الگوهای چهارگانه نظریه نهادی ارائه شده است. نکته کانونی در چهار الگوی بیان‌شده، که می‌تواند نقطه اشتراک همه آن‌ها باشد، عبارت است از معنا و مفهوم نهادینه‌سازی که تقریباً برآیند همه آن‌ها عبارت است از ایجاد، تداوم، ماندگاری، تثبیت؛ حال چه خلق ارزش یا واقعیت باشد یا طبقه‌ای از عناصر یا یک حوزه اجتماعی متمایز.

1. Hughes
2. Hertzler

جدول ۱. خلاصه الگوهای چهارگانه نظریه نهادی (جمع‌بندی محقق)

نظریه	نظریه پرداز	خلاصه نظریه
تلفیق ارزش‌ها	فیلیپ سلزینک	انسان می‌تواند دنیایی را به وجود آورد و سپس می‌تواند آن را به مثابه چیزی غیر از دستاورد یا محصول انسان تجربه کند.
خلق واقعیت	پیتر برگر	افراد یک تعریف مشترک از واقعیت اجتماعی را می‌پذیرند؛ مفهومی که اعتبار آن مستقل از دیدگاه‌ها و عملیات شخصی فرد است.
یک طبقه از عناصر	مایر و رونان	سازمان‌ها مجموعه‌ای از اعتقادات یا باورهای نهادینه‌شده را می‌پذیرند؛ البته نه بدان سبب که آن‌ها به صورت واقعیت یا یک فرض مسلم درآمده‌اند، بلکه بدان سبب که سازمان با چنین اقدامی به پاداش نیکو دست می‌یابد.
یک حوزه متمایز اجتماعی	هیوز	مقصود از نهاد اجتماعی یک سیستم نسبتاً بادوام از باورهای اجتماعی و شیوه‌های عمل سازمان‌یافته در جامعه است که در زمینه‌های مختلف در درون سیستم اجتماعی (مذهب، کار، خانواده، سیاست) مطابق آن‌ها عمل می‌شود.

مسئله اصلی این بخش عبارت است از تبیین معنا و مفهوم نهادینه‌سازی؛ به عبارت دیگر یکی از مسائل مهمی که باید در مطالعات اسلامی به دنبال پاسخ آن باشیم یافتن واژگان یا مفاهیم متناسب با مفهوم نهادینه‌سازی در مباحث اسلامی است.

روش یافتن مفهوم و ماهیت نهادینه‌سازی از منظر قرآن

بعد از مشخص شدن نظریه‌های مطرح درباره نهادینه‌سازی در مباحث رایج، به بررسی ماهیت و مفهوم آن در مباحث قرآنی پرداخته می‌شود. روش اصلی این تحقیق تدبر در قرآن (نقلی و حیانی) است. روش نقلی و حیانی، ناظر به منبع نقلی و حیانی (کتاب و سنت)، روشی اجتهادی است و ابزارهای مستقیم (عقل مصباحی، حس و تجربه و قلب) و غیرمستقیم (ادبیات عرب، علم اصول و مانند آن) در استنباط از قرآن و سنت و ملحقات سنت را در بر می‌گیرد و مهم‌ترین روش اجتهاد در تفکر اسلامی است (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی ۱۳۹۵: ۱۱۵). جهت‌گیری پژوهش حاضر بنیادی و در زمره پژوهش‌های کیفی است و از میان انواع راهبردهای پژوهش کیفی راهبرد داده‌بنیاد ظاهرشونده را به کار گرفته است. از آنجا که در فرصت محدود مقاله بررسی نگاه قرآن و روایات اسلامی،

به‌ویژه به دلیل گستردگی متون روایی، به طور هم‌زمان امکان‌پذیر نیست، نویسنده در این مقاله به طور خاص بر قرآن کریم به منزله‌ اصیل‌ترین و موثق‌ترین متن اسلامی تمرکز خواهد کرد. رسیدن به این هدف در چندین گام اساسی و پی‌درپی انجام شد که در ادامه فقط به آن‌ها اشاره می‌شود.

انتخاب کلیدواژه محوری؛

بررسی کلیدواژه محوری؛

بارگذاری کدها روی نرم‌افزار؛

شروع کدگذاری با مطالعه کل قرآن.^۱

نهادینه‌سازی از منظر قرآن

برای تبیین مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن و ارائه تعریفی مشخص از آن می‌توان از نتایج پرسشنامه آزمون خبرگی در آغاز کار استفاده کرد. مؤلفه‌های اصلی مفهوم نهادینه‌سازی، که می‌توان از کنار هم قرار دادن آن‌ها به تعریفی مشخص رسید، عبارت‌اند از:

۱. «تثبیت» مفهوم کلیدی نهادینه‌سازی؛

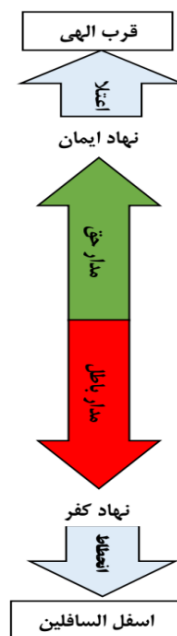
۲. فرایندی بودن نهادینه‌سازی. نتایج حاصل از پرسشنامه دوم آزمون خبره‌ای (مراحل اصلی و گام‌های هر مرحله از نهادینه‌سازی از منظر قرآن) نشان‌دهنده این مطلب بود که همه خبرگان بر فرایندی بودن نهادینه‌سازی تأکید دارند.

پس تا بدین‌جا می‌توان گفت نهادینه‌سازی از منظر قرآن «فرایندی است برای تثبیت». با پایه قرار دادن این دو مؤلفه اصلی و رجوع به کدهای استخراج‌شده از متن قرآن می‌توان مؤلفه‌های دیگر تعریف را استخراج کرد. نتیجه حاصله از بررسی آیات درباره ماهیت نهادینه‌سازی^۲ بیانگر این مطلب است که نهادینه‌سازی از منظر قرآن، همچنان که در نمودار ۱

۱. برای مطالعه تفصیلی مراحل چهارگانه یادشده به مقاله «ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن» (وشوقی‌راد و دیگران ۱۳۹۷) مراجعه شود.

۲. برای مطالعه بیشتر و دیدن مستندات قرآنی به مقاله «ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن» (وشوقی‌راد و

قابل مشاهده است، به صورت یک پیوستار قابل تبیین است؛ که در این پیوستار همواره برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها باید به نقطه مقابل آن، یعنی چگونگی عملکرد رقبا و دشمنان برای نهادینه‌سازی ضد ارزش‌ها، توجه کرد. به عبارت دیگر نمی‌توان بدون توجه به عملکرد جبهه مقابل فرایند تثبیت ارزش‌ها را طی کرد. از این رو می‌توان نهادینه‌سازی را در قالب یک پیوستار در نظر گرفت که یک سمت پیوستار عبارت است از نهادینه شدن ارزش‌های الهی که در قالب نهادینه شدن «ایمان» و حرکت در مدار حق قابل تصور است و یک سمت دیگر این پیوستار می‌تواند نهادینه شدن ارزش‌های شیطنانی باشد که در قالب نهادینه شدن «کفر» و حرکت در مدار باطل قابل تصور است. این پیوستار دارای ویژگی‌های^۱ برجسته‌ای است.



نمودار ۱. پیوستار نهادینه‌سازی

دیگران (۱۳۹۷) مراجعه شود.

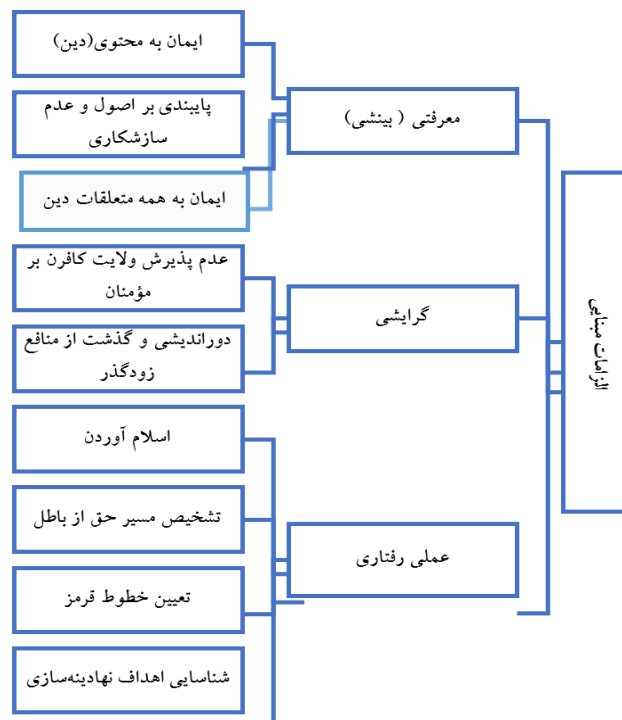
۱. در این بخش از بیان مستندات قرآنی این ویژگی‌ها اجتناب می‌شود. برای مطالعه به متن پایان‌نامه (وثوقی‌راد

۱۳۹۷: ۱۰۸-۱۱۸) مراجعه شود.

با در کنار هم قرار دادن مباحث مطرح شده در این قسمت، می‌توان نهادینه‌سازی را از منظر قرآن این‌گونه تعریف کرد: «فرایندی است پیوستارگونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد. جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفرند».

الزامات نهادینه‌سازی از منظر قرآن

یکی دیگر از ارکان اصلی نهادینه‌سازی از منظر قرآن توجه به لوازم تحقق کامل فرایند نهادینه‌سازی است. در حقیقت برای اینکه عناصر اصلی فرهنگ اسلامی در جامعه اسلامی و نهادها و سازمان‌های اصلی آن نهادینه شود لازم است لوازم و استلزامات تحقق آن در نظر گرفته شود. برخی از این الزامات جنبه مبنایی و دارند که می‌توان آن‌ها را در سه بخش عمده الزامات معرفتی (بینشی) و گرایشی و عملی-رفتاری تقسیم کرد. مهم‌ترین آن‌ها در نمودار ۲ آمده است.



نمودار ۲. الزامات نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن

معرفتی (بینشی)

مهم‌ترین الزامات معرفتی عبارت‌اند از:

ایمان به محتوا (دین)

یکی از الزامات نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی ایمان و باور قلبی به محتوای آن چیزی است که درصدد نهادینه کردن آن هستیم که از منظر قرآن همه ادیان الهی تا دین اسلام است.

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿البقرة/ ۱۳۶﴾؛ بگویند ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل شد و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است و در میان هیچ‌یک از آن‌ها جدایی قائل نمی‌شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.

از منظر آیات قرآن (۸ نقل قول)^۱ شناخت حق به‌تنهایی برای عمل کفایت نمی‌کند. زیرا «اهل کتاب پیامبر اسلام را می‌شناسند؛ آن‌طور که بچه‌های خود را می‌شناسند. به خاطر اینکه تمامی خصوصیات آن جناب را در کتب خود دیده‌اند. ولی با این حال طایفه‌ای از ایشان عالماً عامداً معلومات خود را کتمان می‌کنند.» (طباطبایی ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۹۱). از این رو ایمان به محتوای دین نقش محوری دارد و از لوازم مبنایی نهادینه‌سازی است.

پایبندی به اصول و عدم سازشکاری

یکی دیگر از الزامات اصلی نهادینه‌سازی پایبندی به اصول و خطوط اصلی است که از طرف مؤسسان و طراحان اصلی ترسیم شده است؛ چنانکه درباره یهود در آیه شریفه «أَمْ تَرَىٰ إِلَىٰ الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحاً مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحَيِّتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلاً.» ﴿النساء/ ۵۱﴾ به این مهم اشاره می‌شود.

۱. اعداد بیان‌شده به عنوان نقل قول نشان‌دهنده تعداد آیاتی است که محقق در جریان تحقیق در تأیید این برداشت خود از آن‌ها استفاده کرده است که به خاطر محدودیت فقط به یک آیه اشاره می‌شود.

آیه فوق «یکی دیگر از صفات ناپسند یهود را منعکس می‌کند که آن‌ها برای پیشبرد اهدافشان آن‌چنان سازشکاری با هر جمعیتی نشان می‌دادند که حتی برای جلب نظر بت پرستان در برابر بت‌های آن‌ها سجده می‌کردند و آنچه را که درباره عظمت اسلام و صفات پیامبر^(ص) دیده یا خوانده بودند زیر پا می‌گذاشتند و حتی برای خوشایند بت پرستان آیین خرافی و مملو از ننگ آن‌ها را بر اسلام ترجیح می‌دادند؛ با اینکه اهل کتاب بودند و قدر مشترکشان با اسلام به مراتب بیش از بت پرستان بود. لذا آیه فوق به عنوان تعجب می‌گوید: آیا ندیدی کسانی را که سهمی از کتاب خدا داشتند، اما در برابر بت سجده کردند و به طغیانگران اظهار ایمان نمودند؟» (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۸۰: ج ۳، ۴۱۸). همواره عده‌ای هستند که با تساهل و کوتاه آمدن از اصول و ارکان اصلی دین زمینه را برای بی‌اثر شدن ارزش‌ها فراهم می‌کنند. پایبندی به اصول باعث می‌شود افراد خود را در جریان نهادینه‌سازی متناسب با اصول پذیرفته‌شده قرار دهند و برای به دست آوردن منافع غیرمشروع به سازشکاری رو نیاورند.

ایمان به همه متعلقات دین

یکی دیگر از نکات در پیوستار نهادینه‌سازی از منظر قرآن، که جنبه رفتاری دارد و باید به آن توجه کرد، عبارت است از تعیین حدود متعلق ایمان و شرط تحقق آن.

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّينا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ موسى وَ عيسى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿الشورى/ ۱۳﴾؛ آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سب و دعوت می‌کنید. خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند.

حاصل معنای «انْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» این می‌شود: «بر همه مردم واجب است دین خدا را به طور کامل به پا دارند و در انجام این وظیفه تبعیض قائل نشوند که پاره‌ای از

احکام دین را به پا بدارند و پاره‌ای را رها کنند و اقامه کردن دین عبارت است از اینکه به تمامی آنچه خدا نازل کرده و عمل بدان را واجب نموده ایمان بیاورند.» (طباطبایی ۱۳۹۰: ج ۱۸، ۳۰).

گرایشی

برخی از این الزامات اصلی جنبه گرایش دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

عدم پذیرش ولایت کافران بر مؤمنان

یکی از الزامات اصلی که جنبه گرایشی دارد عبارت است از عدم پذیرش ولایت کافران بر مؤمنان که برخی از آیات الهی (۱۰ نقل قول) به این مهم اشاره دارند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ يُبَعِّلُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿النساء/ ۱۴۴﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟

در «این آیه شریفه، به طوری که ملاحظه می‌کنید، مؤمنان را نهی می‌کند از اینکه به ولایت کفار و سرپرستی آن‌ها بپیوندند و ولایت مؤمنان را ترک کنند و سپس آیه شریفه دوم مسئله را تعلیل می‌کند به تهدید شدیدی که از ناحیه خدای تعالی متوجه منافقان شده و این بیان و تعلیل معنایی جز این نمی‌تواند داشته باشد که خدای تعالی ترک ولایت مؤمنان و قبول ولایت کفار را نفاق دانسته و مؤمنان را از وقوع در آن برحذر می‌دارد.» (طباطبایی ۱۳۷۴: ج ۵، ۱۹۲). گرایش و سمت‌وسوی تصمیم‌گیری و تعیین جهت حرکت مؤمنان در برنامه‌ریزی‌ها و داد و ستد با کفار توجه به این نکته اساسی عدم ولایت کافران است. در حقیقت این گرایش در مرحله بعد، یعنی اقدام و عمل، اثرگذار است.

دوراندیشی و گذشت از منافع زودگذر

یکی دیگر از الزامات، که جنبه گرایشی دارد، عبارت است از: دوراندیشی و گذشت از منافع زودگذر. اگر در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها گرایش انسان به سمت‌وسوی

برنامه‌های طولانی‌مدت و توجه به منافع درازمدت باشد زمینه برای اجرای اصلاحات فرهنگی، که معمولاً زمان‌بر است، فراهم می‌شود.

وَ إِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِخْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَ يُريدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ ذَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿الأنفال/ ۷﴾؛ و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [= کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیرمسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید). ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت و ریشه کافران را قطع کند. از این رو شما را برخلاف میلان با لشکر قریش درگیر ساخت و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۸۰: ج ۷، ۱۰۰ - ۱۰۱).

عملی- رفتاری

برخی از الزامات اصلی جنبه رفتاری دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

اسلام آوردن و عمل به آن

شاید بتوان گفت اولین و اصلی‌ترین شرط تحقق نهادینه‌سازی این است که مخاطبان و کسانی که درصدد تحقق ایمان در وجود آنها هستیم دین را قبول داشته باشند. به عبارت دیگر اصلی‌ترین شرط ورود به موضوع نهادینه‌سازی این است که افراد خود را در معرض اسلام قرار دهند و آن را قبول کنند. علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَّمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَ مَنْ أَتَّبَعَنِي وَ قُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْأُمِّيِّينَ أَسَلَّمْتُمْ فَإِنْ أَسَلَّمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ.» ﴿آل عمران/ ۲۰﴾^۱ می‌فرماید: «ضمیر در کلمه حاجوک به اهل کتاب برمی‌گردد و این به‌خوبی روشن است و مراد از محاجه کردن اهل

۱. اگر با تو به گفت‌وگو و ستیز برخیزند (با آنها مجادله نکن و) بگو: من و پیروانم در برابر خداوند (و فرمان او) تسلیم شده‌ایم. و به آنها که اهل کتاب هستند [= یهود و نصاری] و بی‌سوادان [= مشرکان] بگو: آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر در برابر فرمان و منطق حق تسلیم شوند، هدایت می‌یابند و اگر سرپیچی کنند، (نگران مباش زیرا) بر تو تنها ابلاغ (رسالت) است و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان بیناست.

(بخواد و شایسته بداند) می‌بخشد و آن کسی که برای خدا شریکی قرار دهد گناه بزرگی مرتکب شده است.

«بنابراین معنای آیه چنین می‌شود که خدای تعالی شرک را از هیچ کافر و مشرکی نمی‌آمرزد.» (طباطبایی ۱۳۷۴: ج ۴، ۵۹۱) و این همان تعیین خط قرمز است.

شناسایی اهداف نهادینه‌سازی

یکی دیگر از الزامات نهادینه‌سازی که جنبه رفتاری دارد عبارت است از شناخت اهداف نهادینه‌سازی. به عبارت دیگر برای مخاطبان باید روشن شود هدف اصلی از نهادینه‌سازی ایمان چیست؟ که در ادامه به مهم‌ترین این اهداف از نظر قرآن، که از بیان هدف انزال قرآن و ارسال رسول ناشی می‌شود، اشاره خواهد شد.

تثبیت و نهادینه کردن حق

حضرت شعیب^(ع) در دعای خویش با آنکه به حقانیت خویش باور داشت فرمود خدایا حق را به کرسی بنشان و این اشاره به این حقیقت دارد که پیامبران هدفی جز تثبیت حق نداشتند (هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۳: ج ۱۰، ۶۴۴).

قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ جَاءَنَا اللَّهُ مِنْهَا وَ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبُّنَا إِفْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿الأعراف/ ۸۹﴾؛ اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته‌ایم و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواد. علم پروردگار ما به همه‌چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده‌ایم. پروردگارا، میان ما و قوم ما به حق دآوری کن که تو بهترین داورانی.

تثبیت ایمان برای مؤمنان

یکی دیگر از این اهداف مهم از نظر قرآن عبارت است از تثبیت ایمان برای مؤمنان.
فَلَنْ نَزِلَهُ رُوحَ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هُدًى وَ بَشْرًا لِّلْمُسْلِمِينَ ﴿النحل/ ۱۰۲﴾؛ بگو روح القدس آن را از جانب پروردگارت به حق نازل کرده تا افراد باایمان را ثابت‌قدم گرداند و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان.

«به گفته مفسر عالی قدر، نویسنده تفسیر المیزان، آیه فوق در مورد مؤمنان می‌گوید: هدف آن است که در خط خود تثبیت شوند. اما دربار مسلمین می‌گوید: هدف هدایت و بشارت است. این به خاطر تفاوتی است که میان مؤمن و مسلم وجود دارد. چراکه ایمان در قلب است و اسلام در ظاهر عمل» (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۸۰: ج ۱۱، ۴۰۷).

خروج از ظلمات به سوی نور

یکی دیگر از این اهداف از نظر قرآن عبارت است از خروج از ظلمات به سوی نور. الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿ابراهيم/ ۱﴾ الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها (ی شرک و ظلم و جهل) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی) به فرمان پروردگارشان درآوری؛ به سوی راه خداوند عزیز و حمید.

از منظر علامه طباطبایی «آیات کریمه این سوره پیرامون اوصاف قرآنی که بر پیغمبر اسلام (ص) نازل شده بحث می‌کند و آن را با اوصاف زیر معرفی می‌نماید: این کتاب آیت و معجزه و نشانه رسالت آن جناب است و مردم را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می‌کشد و به راه مستقیم خدا راهنمایی‌شان می‌کند.» (طباطبایی ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۴). و این خارج کردن از ظلمات به سوی نور هدف انزال قرآن معرفی شده است.

هدایت

یکی دیگر از این اهداف از نظر قرآن عبارت است از هدایت (۱۱ نقل قول).

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿المائدة/ ۱۶﴾.

«حرف 'با' در کلمه 'به' به اصطلاح علم نحو بای آلت است و ضمیر در آن کلمه به کتاب و یا به 'نور' برمی‌گردد؛ حال چه اینکه مراد از نور رسول خدا (ص) باشد و یا قرآن. برای اینکه اگر هم رسول خدا (ص) باشد باز آلت بودن با معنا دارد. زیرا رسول خدا (ص) نیز مانند کتاب آلت و وسیله‌ای ظاهری است برای مرحله هدایت» (طباطبایی ۱۳۷۴: ج ۵، ۳۹۹).

استمرار هدایت در صراط مستقیم

یکی دیگر از این اهداف از نظر قرآن عبارت است از استمرار هدایت در صراط مستقیم.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿الفاتحة/ ۶﴾؛ ما را به راه راست هدایت کن.

علامه طباطبایی در توضیح کلمه صراط می‌فرماید: «این کلمه در لغت به معنای طریق و سبیل نزدیک به هم‌اند و اما از نظر عرف و اصطلاح قرآن کریم باید بدانیم که خدای تعالی صراط را به وصف استقامت توصیف کرده و آن‌گاه بیان کرده که این صراط مستقیم را کسانی می‌پیمایند که خدا بر آنان انعام فرموده.» (طباطبایی ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۴ - ۴۵).

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿الزخرف/ ۴۳﴾؛ آنچه را بر تو وحی

شده محکم بگیر که تو بر صراط مستقیمی.

نتیجه

از نگاه قرآن فرایند نهادینه‌سازی در یک پیوستار مشاهده می‌شود و دارای بعد مثبت و منفی است. به عبارت دیگر از منظر قرآن نهادینه‌سازی فرایندی است پیوستارگونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد. جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفر هستند. کارگزاران نهادینه‌سازی باید همواره به این نکته اساسی توجه داشته باشد که در کدام سمت پیوستار حرکت می‌کنند. برای تحقق نهادینه‌سازی یک سری استلزاماتی وجود دارد که جنبه مبنایی دارد و نیازمند آن است که هم کارگزاران هم مخاطبان نهادینه‌سازی آن‌ها را انجام دهند. از منظر قرآن مخاطب‌شناسی به معنای شناخت دسته‌های هر گروه از مخاطبان در تثبیت و تعمیق ارزش‌ها نقش محوری دارد. به عبارت دیگر این مهم است که کارگزاران نهادینه‌سازی مخاطب خود را بشناسند. زیرا این موضوع در فرایند و مراحل نهادینه‌سازی تأثیرگذار است. از این رو در این نوشتار به جنبه و الزامات متناظر با مخاطبان نهادینه‌سازی پرداخته شد که در یک تقسیم‌بندی کلی این الزامات در سه بخش خلاصه می‌شود: «بینشی» که مهم‌ترین آن‌ها از منظر قرآن شامل ایمان به محتوا و پایبندی به اصول و عدم سازشکاری و ایمان به همه متعلقات دین است، «گرایش» که مهم‌ترین آن‌ها از

منظر قرآن شامل عدم پذیرش ولایت کافران و دوران‌دیشی و گذشت از منافع زودگذر است، «رفتاری- عملی» که مهم‌ترین آن‌ها از منظر قرآن شامل اسلام آوردن و عمل به آن و تعیین خطوط قرمز و شناسایی اهداف نهادینه‌سازی است.

پیشنهادها

پیشنهادهای اساسی این تحقیق فراروی پژوهشگران عرصه مدیریت اسلامی عبارت است از:

۱. برای تکمیل این موضوع منابع روایی نیز بررسی شود.
۲. این موضوع با استفاده از مطالعات تاریخی در سیره حکومتی پیامبر اکرم و امیرالمؤمنان بررسی شود.
۳. با در نظر گرفتن اقتضائات نظام جمهوری اسلامی ایران این موضوع در پژوهشی جدید برای اجرا در حکومت جمهوری اسلامی ارزیابی شود.

منابع

قرآن

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۰). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. لبنان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم - ایران: اسماعیلیان.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۴). نهادها و سازمان‌ها (اکولوژی نهادی سازمان‌ها)، تهران، سمت.
- کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی (۱۳۹۵). نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما)، قم، انتشارات دانشگاه قم.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- وثوقی راد، وحید (۱۳۹۷). «طراحی و تبیین الگوی قرآنی نهادینه‌سازی فرهنگ سازمانی از منظر قرآن»، رساله دکتری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- وثوقی راد، وحید، رضاییان، علی، نقی پورفر، ولی‌الله و نوروزی، محمدتقی (۱۳۹۷). «ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱۷، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

References

- Berger, P.L., & Luckmann, T. (1991). *The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge*: Penguin Adult
- Gholipour, A. (2005). *Institutions and organizations (Institutional Ecology of Organizations)*, Tehran, Samat Publications. (in Persian)
- Hāshimī, R. A. A. (2004). *Farhang-i Qur'ān: Kilīd-i rāhyābī bih mawzū'āt va mafāhīm-i Qur'ān-i Karīm*, Qum, Būstān-i Kitāb-i qum. (in Persian)
- Hertzler, J.O. (1961). *American social institutions: a sociological analysis*: Allyn and Bacon.
- Hughes, E. C. (1939). "Institutions. In Robert E Park" (Ed.), *An Outline of the Principles of Sociology* (pp. 283-346.), New York, Barnes & Noble.

- Lawrence, T. B., Winn, M. I., & Jennings, P. D. (2001). "The temporal dynamics of institutionalization", *Academy of Management Review*, 26(4), pp. 624-644.
- Makārim, S. N. & et al (2001). *Tafsīr-i numūnah*: Tihrān, Dār al-Kutub al-Islāmiyah. (in Persian)
- Meyer, J.W. & Rowan, B. (1977). "Institutionalized Organizations: Formal Structure as Myth and Ceremony", *American Journal of Sociology*, 83(2), pp. 340-363.
- Perrow, C. (1986). *Complex Organizations: A Critical Essay*: McGraw-Hill Companies, Incorporated.
- Mousavi Khomeini, Ruhollah (2007). *saḥīfah-i Imām, Tihrān, Mu'assasāt-i tanzīm va nashar-i asār Imām Khumaynī*. (in Persian)
- Scott, W. R. (1987). "The Adolescence of Institutional Theory", *Administrative Science Quarterly*, 32(4), pp. 493-511. doi: 10.2307/2392880
- Scott, W. R. (2009). *The Adolescence of Institutional Theory*, In H.L. Tosi (Ed.), *Theories of Organization* (pp. 215-232), SAGE Publications.
- Ṭabāṭabā'ī, M. H., In Bāqir, S. A., & Ḥaydarī, K. (2011). *al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. (in Persian)
- Ṭabāṭabā'ī, M. H., In Bāqir, S. A., & Ḥaydarī, K. (1995). *al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. (in Persian)
- Vosooqirad, V. (2018) *Designing and Explaining the Qur'an Model of the Institutionalization of Organizational Culture*. (in Persian)
- Vosooqirad, V. Rezaeian A. Nagipurfar V. Norouzi M T. (2018). "The Essence and Concept of Institutionalization from the iewpoint of the Quran". (in Persian)
- Wuthnow, R. (1984). *Cultural analysis: the work of Peter L. Berger, Mary Douglas, Michel Foucault, and Jürgen Habermas*: Routledge & Kegan Paul.
- Zucker, L. G. (Ed.) (1983). *Institutional patterns and organizations: Culture and environment* (pp. 101-113), Boston, Ballinger Press.